

حکم فقهی تربیت جنسی فرزند و تربی با نظر به ادله و قواعد عام طبق دیدگاه آیت الله اعرافی

محمد رضا سبحانی^۱

چکیده

رشد و تربیت جنسی فرزند و تربی سلسله ای از افعال به هم پیوسته است که با یک نگاه کلی یک فعل محسوب می شود. این فعل چون از قبیل افعال مکلف است دارای حکم شرعی است. کتب فقهی به بررسی احکام متعددی پرداخته اند، اما بررسی حکم فقهی تربیت جنسی با یک عنوان مجزا و جداگانه کار نو و جدیدی است. از سوی دیگر بررسی حکم فقهی تربیت جنسی می تواند عاملی باشد که انگیزه درونی والدین و مربیان را بر اهتمام بیش تر به این مسأله برانگیزد. برای بررسی این مسأله به منابع کتابخانه ای رجوع شده و از روش فقهی - اصولی برای اثبات وجوب تربیت جنسی استفاده شده است. نوشتار پیش رو تکیه بر ادله و قواعد عام موجود در منابع دارد. برخی ادله مثل لزوم دور نگه داشتن خانواده از آتش جهنم ما را به این نتیجه می رساند که تربیت جنسی فی الجمله واجب است. **واژگان کلیدی:** تربیت جنسی، فقه تربیت، والدین، مربی.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

۱. طلبه پایه هشتم مدرسه شهیدین علیه السلام قم.

رایانامه: sobhan.mr000@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۸۷۹۶۹۲۷۸

۱. مقدمه

فقه اسلامی وظیفه بیان حکم شرعی افعال افراد را بر عهده دارد. گستره ابواب فقهی به قدری زیاد است که شامل شئون مختلف عبادی تا شئون اقتصادی، قضایی و اجتماعی می شود. این امر نشان دهنده وسعت فقه و نیاز انسان به احکامی است که در شئون مختلف زندگی باید از آن ها استفاده کند. یکی از مهم ترین شئون زندگی انسان و اثرگذار بر سعادت وی و جامعه رابطه میان فرزند و والدین است. این رابطه جهات مختلفی دارد و تربیت اصلی ترین جهت آن است. در کنار والدین با فراگیر شدن مجموعه های تربیتی و وجود مربیان متعدد در سراسر کشور رابطه بین مربی و متربی یکی از مسائلی است که می تواند احکامی داشته باشد. متأسفانه در کتب فقهی باب جداگانه ای برای تربیت قرار داده نشده است؛ بلکه در خلال بحث هایی مانند نکاح، احکامی مثل تفریق مضاجع فرزندان مورد بررسی فقها قرار گرفته است. در دوره معاصر، برخی از فقها متوجه این مهم شده و به تحقیق این مسأله پرداخته اند.

تربیت، امری وسیع است و شاخه های متفاوتی دارد؛ مثل تربیت عبادی، عاطفی، جنسی و... امروزه با در دسترس قرار گرفتن رسانه ها و محتوای نامناسب ضرورت تربیت جنسی بیش از پیش است. اسلام پرچم نه تفریط و نه افراط را علم کرده است؛ برخلاف بعضی از دیدگاه ها نه مانع بروز و ظهور غریزه جنسی انسان شده و نه انسان را در ورطه آزادی خواهی های افراطی رها کرده است، بلکه اسلام با برنامه خود اولاً عفت عمومی و پاکیزگی جامعه را در نظر دارد و ثانیاً با استفاده نظام مند از این غریزه، آن را در راه رشد شخصی و اجتماعی به کار بسته است. تربیت جنسی امری است که سبب می شود فرزند و متربی از آسیب های اخلاقی بیش تر در امان بماند و بتواند غریزه خود را کنترل کرده و در مسیر کمال و رشد خود از آن بهره برد.

تربیت جنسی از مواردی است که به طور کلی یا جزئی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ حتی حکما و علمای غیراسلامی مثل ارسطو و افلاطون از دیرباز به آن پرداخته اند. این مسأله مورد توجه محققان و پژوهشگران معاصر نیز قرار گرفته است و مقالات و کتبی در این زمینه نیز به رشته تحریر درآمده است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۳۳) هم چنین، در کتب فقهی چون جواهر الکلام، رسائل و مسائل، شرح لمعه، تذکره الفقهاء، سفینه النجاة، ریاض المسائل و... بحث هایی ذیل عنوان تربیت جنسی نیز مطرح شده است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۰) در این میان آیت الله اعرافی از جمله فقیهان معاصری است که با رویکرد





فقهی - اصولی متعارف به بحث درباره تربیت و اقسام آن پرداخته و آثاری از ایشان نیز به چاپ رسیده است. هم‌چنین در مقالاتی موضوع تربیت جنسی بررسی شده است که در برخی از آن‌ها یک موضوع خاص از تربیت جنسی مورد پژوهش قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

۱. بررسی فقهی جداسازی بستر کودکان؛^۱
 ۲. تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی؛^۲
 ۳. بررسی و تبیین مبانی، اصول، و روش‌های تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه اسلام؛^۳
 ۴. آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی.^۴
- بررسی حکم فقهی تربیت جنسی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر انگیزه والدین است، تا به تربیت جنسی فرزند خود پردازند؛ چراکه در صورت وجوب آن، والدین و مریبان خود را در مقابل انجام یک تکلیف الهی می‌بینند که ترک آن عقاب‌آور و انجام آن سبب استحقاق ثواب می‌شود. احکام تربیت جنسی اولاً بر اصل وظیفه‌مندی والدین و مریبان، و ثانیاً بر تحقق احکامی که والدین و مریبان باید رعایت کنند متوقف است. این نوشتار به بخش اول یعنی اصل وظیفه‌مندی والدین و مریبان پرداخته است؛ یعنی آیا تربیت جنسی وظیفه شرعی والدین و مریبان است و در صورت ترک آن مستحق عقاب می‌شوند. برای پاسخ به این سؤال از ادله عام و قواعد عمومی مستفاد از منابع شرعی در اقسام مختلف تربیت استفاده می‌شود و حتی برخی از احکام جزئی تربیتی نیز می‌توانند به این قواعد عام استناد داده شوند؛ به‌عنوان مثال قاعده حرمت تعاون در گناه می‌تواند منجر به احکامی در رابطه والدین و مریبان با فرزند و متربی شوند. هم‌چنین آیه ۶ سوره مبارکه تحریم بر لزوم حفظ اهل و خانواده از آتش جهنم دلالت دارد. این آیه می‌تواند مستمسکی باشد برای استنباط احکام تربیت جنسی. نکته قابل توجه این است که در نوشتار پیش‌رو از روش فقهی - اصولی متعارف استفاده شده است.

تربیت متشکل از سلسله افعالی است که در طول زمان واقع می‌شود. در این نوشتار

۱. زارعان، محمد جواد؛ امامی راد، احمد. *مطالعات فقه تربیتی*، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ش ۲۶.

۲. بهشتی، محمد. پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ش ۳.

۳. رهنما، دکتر اکبر؛ علین، حمید؛ محمدی، حسین. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، زمستان ۱۳۸۳، ش ۳.

۴. فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم. *تربیت اسلامی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ش ۷.



تربیت جنسی یک فعل در نظر گرفته شده است که به دنبال بررسی حکم فقهی آن هستیم؛ به این معنا که تربیت امری مرکب است که از افعال متعدد انتزاع شده است.

۲. چستی تربیت جنسی

تربیت، فرایندی است که توسط عامل انسانی دیگر چون والدین یا مربی برای تغییر تدریجی فرزند در یکی از زمینه‌های جسمی، روحی، فکری و... به جهت رشد و شکوفاسازی استعدادها یا جلوگیری از انحرافات و اصلاح رفتار صورت می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۹)

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد تربیت اقسام متفاوتی دارد، اما تربیت جنسی یعنی:

«تربیت جنسی، فرایند یاری‌رسانی به مربی، در دوره‌های مختلف از سوی مربی، به منظور جهت‌گیری مناسب جنسی و جلوگیری از انحرافات جنسی است». (همان، ج ۲۲، ص ۳۱)

برخی از اهداف تربیت جنسی عبارت‌اند از (شریفی، آرمان، کهن، بانکی پورفرد، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸):

- دادن اطلاعات دقیق و صحیح به کودک براساس سن و مرحله رشدی او؛
 - مصونیت بخشیدن به فرزندان در برابر سوء استفاده جنسی؛
 - دادن آموزش‌های بهداشتی به کودک؛
 - دادن آموزش‌های مذهبی، انتقال ارزش‌ها و باورهای خانوادگی به آن‌ها؛
 - تقویت روابط عاطفی - روانی بین فرزندان و والدین.
- احکام تربیت جنسی باعث می‌شود که والدین با وظایف خود آشنا شوند و عمل به آن‌ها نیز سبب کاهش آسیب‌های جنسی در فرزندان می‌شود.

۳. بررسی حکم فقهی تربیت جنسی فرزندان بر والدین و مربیان

برای بررسی حکم فقهی این موضوع از قواعد عامی استفاده می‌کنیم. عمومیت این قواعد به این جهت است که مصادیق مختلفی داشته و تربیت جنسی یکی از مصادیق این قواعد است.

۳-۱. قاعده تسبیب

تسبیب یک قاعده فقهی است که در ادامه بحث، به بررسی معنای آن و ارتباط آن با مسأله پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. معنای تسبیب

معنای لغوی تسبیب یعنی چیزی را سبب رسیدن به امر دیگری قرار دادن. (حمیری، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۲۹۳۰)

قاعده تسبیب از قواعدی است که فقها در ابوابی مثل ضمان، دیات، کفارات، قضا و قصاص از آن استفاده کرده‌اند، اما این تنها کاربرد این قاعده نبوده بلکه شاهد آن هستیم که این قاعده در باقی ابواب مانند وضو و تیمم نیز به کار برده می‌شود. در نتیجه مقصود از تسبیب در فقه همان معنای لغوی آن است که بر این اساس تسبیب یعنی هر فعلی که سبب شود دیگری فعلی را انجام دهد. (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۴۸) پس تسبیب را می‌توان به این صورت تعریف کرد:

هر نوع دخالت یک شخص در انجام یا ترک فعلی از جانب شخص دیگر تسبیب نامیده می‌شود.

تسبیب به ۴ صورت می‌تواند پدیدار شود (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۵):

۱. ترک بیان حکم

۲. اکراه

۳. تمهید مقدمه خارجی

۴. عدم مانع

۱-۳-۲. ترک بیان حکم

یکی از قواعد فقهی ارشاد جاهل است که مستند آن قرآن، روایات، تسالم و ادله تبلیغ شریعت می‌باشد. (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ص ۳۴) ارشاد جاهل از ضرورات مذهب نیز شمرده شده است. (آملی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۳۸) آیه نفر نیز برای وجوب ارشاد جاهل مورد استدلال فقها قرار گرفته است. (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳۵، ص ۱۹۰) ارشاد جاهل به حکم شرعی واجب است، اما ارشاد جاهل به موضوع، محل اختلاف می‌باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۵۷)

اگر بیان سبب مہجوریت حکم الهی یا ارتکاب حرام از سوی جاهل ترک شود، این حکم شامل آن می‌شود. در نتیجه، در زمینه جنسی اگر عدم بیان حکم، سبب ارتکاب حرام از سوی فرزند یا متربی شود، بیان حکم بر والدین و مربی واجب می‌شود. و اگر فرزند یا





متربی حتی در صورت جهل نیز مرتکب حرام نشود، بیان آن واجب شمرده نمی شود، (اعراف، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۵) لذا در صورت نیاز، بر والدین واجب می شود که احکامی مربوط به مسائلی چون خودارضایی را به فرزندان خود بیاموزند. البته گفتن چنین مسائلی نیازمند رعایت نکات و ظرافتهایی است. داشتن رابطه صمیمی با فرزند و مهارت لازم برای گفت و گو و بیان چنین مسائلی در اجرای بهتر امر واجب مؤثر است. برای عمل به این واجب - اعلام احکام شرعی بلوغ و... - والدین نمی توانند به صورت ناگهانی و بدون هیچ پیش زمینه ای با فرزند خود صحبت کنند. حیا بین فرزند و والدین می تواند مانع از گفت و گو مستقیم شود؛ در نتیجه، نه والدین به وظیفه شرعی خود عمل کرده اند و نه فرزندان با احکام اولیه مورد ابتلا مثل غسل آشنا شده اند. اجرای بهتر و مؤثرتر این واجب شرعی نیازمند داشتن رابطه صمیمی با فرزند است. علاوه بر این که والدین باید در به دست آوردن مهارت های لازم سعی کنند، باید در صورت ناتوانی از یک مشاور آگاه و مطمئن کمک بگیرند. (شریفی، آرمان، کهن، بانکی پورفرد، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۹)

۳-۱-۳. اکراه

اکراه از ماده کره و بر وزن افعال است. یکی از معانی این باب تعدیه است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸) در نتیجه، اکراه یعنی واداشتن شخصی به کاری، درحالی که خودش کراهت دارد. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۷۶)

اکراه دو گونه است؛ اکراهی که از روی ظلم و عدوان است و اکراهی که از روی حق است. قسم دوم مانند اکراه و اجبار از سوی حاکم بر کسی است که حقوق و دیون دیگران را ادا نمی کند. آنچه مورد بحث است قسم اول اکراه است که احکامی بر آن بار می شود. حرمت و ممنوعیت از جمله احکام اکراه می باشد. (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

شخص مکروه از حیث اکراهش مرتکب حرام می شود. فعل اکراهی حیثیت دیگری نیز می تواند داشته باشد و آن تسبیب است. در برخی مصادیق، مکروه علاوه بر اینکه شخص را وادار کرده است، سبب و باعث ارتکاب فعل حرام نیز شده است. در نتیجه بر یک فعل دو عنوان اکراه و تسبیب صدق می کند. در این فصل به دنبال حرمت فعل والدین از حیث صدق عنوان تسبیب هستیم که از راه اکراه حاصل شده است.

اکراه حرام صورت‌های مختلفی دارد که می‌تواند به‌خاطر صدق عناوینی مانند سلب آزادی و ظلم، حرام شمرده شود، اما عنوان تسبیب تنها در دو صورت زیر موجب حرمت می‌شود:

۱. مکروه آگاهانه و با اختیار، خود را در معرض اجبار دیگران قرار دهد.

۲. عنوان فعل جنسی از مواردی باشد که شارع مؤکداً آن را نهی کرده است و وقوع آن

هرگز مورد رضایت شارع نیست. (اعراف، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۶)

متأسفانه برخی مشاوره‌های نادرست در مسائل جنسی - خصوصاً در زمینه نوجوانان - سبب شده که برخی از والدین باورهای غلطی پیدا کرده و فرزند خود را به ارتکاب امور حرام سوق دهند. از سوی دیگر خود نوجوان نیز به مقتضای سن و ترشح هورمون‌های مختلف از این امر استقبال می‌کند. در برخی موارد ممکن است نوجوان با دادن اطلاعات غلط درباره وضعیت خود، خود را در شرایطی قرار دهد که والدین او را به سمت فعل حرام سوق دهند و حتی مجبور کنند، یا اینکه در مواردی نیز والدین به‌خاطر نداشتن اطلاعات درست نوجوانی که می‌خواهد پاکی خویش را حفظ کند به امور حرامی مجبور کنند. اگر والدین فرزند را مجبور به کار حرام کنند و دو صورت فوق صادق باشد، فعل والدین از حیث تسبیب حرام است. البته حیثیت اکراه و احکام آن، خود بحث دیگری می‌طلبد.

۳-۱-۴. تمهید مقدمه خارجی

تمهید و مقدمه‌سازی گناه به دو صورت ممکن است شکل بگیرد:

۱. اعانه بر إثم: توضیح این قاعده در فصول بعدی خواهد آمد. براساس این قاعده مربی

و والدین نباید اقدامی کنند که موجب یاری فرزند یا مترقی در ارتکاب گناه جنسی

شود. حرمت چنین اقدامی حتی شامل مقدمه چینی‌های قبل از بلوغ است؛ یعنی

والدین نباید قبل از بلوغ زمینه گناه جنسی بعد از بلوغ فرزند خود را فراهم کنند.

(اعراف، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۸)

۲. تسبیب خاص: تمهید و آماده‌سازی مقدمه حرام برای فاعلی که به موضوع یا حکم

جهل دارد، تسبیب، اغراء به جهل یا تغریب جاهل نام دارد. با توجه به اینکه چنین

تسبیبی در همه جا حرام نیست، باید گفت این تسبیب در گناهان جنسی پر اهمیت -





عناوین مؤکد مثل دماء و نفوس - که شارع به هیچ وجه از ارتکاب آن‌ها راضی نیست، حرام می باشد. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۴۹)

۳-۱-۵. عدم مانع

عدم جلوگیری از حرام، خود نوعی علت و سبب برای حرام تلقی می شود. هرچند ممکن است معنای لغوی یاری رساندن این نباشد، اما چنین برداشتی ناشی از برداشت عرف است؛ چراکه عرف گاهی علت وجود یک پدیده را عدم امری می داند. در نتیجه، سبب و علت بر یک امر عدمی اطلاق می شود. جلوگیری و مانع شدن چهار صورت دارد که هر کدام حکم خود را دارند (اعرافی، ۱۳۹۵، ش، ص ۴۹):

۱. عالم به حکم و موضوع: اگر کسی مرتکب حرام شود و به موضوع و حکم علم داشته باشد، منع او از باب نهی از منکر، واجب و ترک این منع حرام است.
۲. جاهل به حکم: منع شخصی که در عین ارتکاب به حرام به حکم آن جاهل است واجب نیست، بلکه مستحب است، اما ارشاد او به حکم واجب می باشد.
۳. جاهل به موضوع: منع کسی که به موضوع جهل دارد واجب نیست، بلکه مستحب است.
۴. مضطر به حرام: اگر کسی مضطر به حرام جنسی باشد، منع او واجب نیست و ترک منع به معنای اعم، جایز است.

۳-۲. قاعده ارشاد، هدایت و امر به معروف و نهی از منکر

پیش تر راجع به ارشاد جاهل به نکاتی اشاره شد. ترک ارشاد جاهل در واقع یکی از اسباب به گناه افتادن فرزندان و مترّبی شمرده شد، اما در این بخش قاعده ارشاد جاهل از حیث ثبوت و نه نفی، مقصود است؛ یعنی به مقتضای قاعده ارشاد جاهل احکامی بر والدین و مربیان واجب یا مستحب شمرده می شود. با توجه به توضیحاتی که گذشت قاعده ارشاد جاهل می تواند سبب وجوب احکام کلی شود که مورد ابتلای فرزندان یا مترّبی است. با توجه به اینکه این قاعده بیش تر در حیطه آموزش است، جنبه پیشگیری دارد.

از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر که یکی از مهم ترین دستورات اسلام است، در تربیت جنسی نیز جاری می شود. گاهی اوقات نوجوان دچار گناه جنسی است که والدین یا مربی



با روش صحیح امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند او را از این گناه بازدارند. یکی از نکات مهم در انجام این فریضه، روشی است که والدین و مربی اتخاذ می‌کنند. گاهی ممکن است به‌خاطر عدم توجه والدین و مربی به برخی نکات ظریف، عکس آنچه که مطلوب و مقصود این فریضه است حاصل شود، لذا مهم است که مرتب‌تین با نوجوان و کودک راجع به این مسأله هوشیار بوده و تا حد توان، سطح اطلاعات و مهارت خود را بالا ببرند. وجوب و استحباب امر به معروف و نهی از منکر نیز تابع قواعدی است که در محل خود ذکر شده است.

در کنار ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر قاعده هدایت وجود دارد. قاعده هدایت به دو معنا دلالت دارد:

۱. معنای عام: آگاهی دادن و خارج کردن شخص از جهل؛
 ۲. معنای خاص: مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی که باید بعد از آگاهی شخص انجام شود. هدف از این اقدامات این است که شخص به آگاهی خود التزام قلبی داشته باشد و خلیقات روحی و درونی در او به‌وجود آمده و رفتارهای دینی در او ظاهر شوند. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۳۰، ص ۲۲۰)
- این سه قاعده در فرایند تربیتی به‌دنبال یکدیگر می‌باشند. ابتدا باید آگاهی‌های لازم به شخص داده شود، سپس به او کمک کرد تا بتواند به آگاهی خود عمل کند و رفتار و خلیقات خود را براساس آن سامان دهد و در آخر، اگر دچار معصیت شد مراتب نهی از منکر از سوی دیگران اجرا شود. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۰)
- بر این اساس، در تربیت جنسی فرزندان یا متری ابتدا باید احکام و اموری که یادگیری آن‌ها واجب است به او یاد داده شود، سپس مستحب است که به او کمک شود تا میل و اراده او به امور مطلوب شرعی جنسی گرایش پیدا کند و درنهایت اگر دچار معصیت شد یا در آستانه آن قرار گرفت دیگران به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند.

۳-۳. پرهیز از اعانه بر اثم

اعانه بر اثم از جمله قواعد فقهی است که فقها در مسائل مختلفی از آن بهره برده‌اند، مسائلی مانند فروش انگور به کسی که می‌دانیم آن را به خمر تبدیل می‌کند. (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۶۱) مقصود از اثم در این قاعده مطلق معصیت و گناه است، چه ترک



یک واجب باشد و چه انجام یک گناه. مقصود از اعانه نیز به معنای مساعده و کمک کردن است و ظاهراً اختصاصی به کمک عملی ندارد، بلکه حتی شامل کمک فکری و ارائه طریق و ارشاد نیز می شود. (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۶۸) قاعده اعانه بر اثم مستند به قرآن، سنت، عقل و اجماع است. آیه ۲ سوره مائده که همان آیه تعاون است دال بر مقصود می باشد. هم چنین روایاتی وجود دارند که هرچند ممکن است در مورد و مصداق خاصی وارد شده باشند، اما مجموع روایات و هم چنین ضمیمه کردن روایات به آیه مذکور حکم کلی و عامی را نتیجه می دهد. عقل نیز اعانه و کمک بر گناه را همانند خود گناه قبیح می داند. اجماع و اتفاق اصحاب نیز در مسأله وجود دارد، هرچند که به خاطر وجود دلیل (قرآن و سنت) مورد استناد قرار نمی گیرد؛ (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۶۱) درواقع، می توان گفت اجماع مدرکی محسوب می شود.

بر اساس قاعده اعانه بر اثم، کمک کردن در گناهان به طور مطلق حرام است. صدق عنوان این قاعده مشروط به فوریت تأثیر نیست، بلکه شامل اقداماتی مثل انگیزه سازی و تهیه مقدمات گناه - به شرط علم به ارتکاب متربی و فرزند - می باشد. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۲) والدین و مربیان در تربیت جنسی موظف اند از هرگونه اقدامی که متربی و فرزند را در گناه جنسی یاری می کند اجتناب کنند و باید توجه داشت ممکن است اقدامات ایشان قبل از بلوغ فرزند اتفاق بیفتد، اما فرزند بعد از بلوغ دچار آن گناه شود. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۳) یکی از مصادیق این قاعده جایی است که فرزند یا متربی در مجلس مختلط قرار گرفته و والدین می دانند که با حضور او در این مجلس به گناه آلوده می شود. در این صورت، اگر والدین به او کمک کنند و علم و اطمینان داشته باشند که اعانه ایشان منجر به حرام شده و اعانه به عنوان مقدمه حرام باشد، مرتکب حرام شده اند. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۲۱۸)

۳-۴. وقایه

آیه زیر قاعده وقایه را - که یک قاعده کلی در تربیت است - ارائه می کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم ۶)

«قوا» صیغه امر از وقایه است. وقایه به معنای حفظ شیء از هر چیزی است که به آن



ضرر می‌رساند و آن را اذیت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹، ص ۳۳۴) منظور آیه این است که خود و اهل خود را از آتش جهنم حفظ و حراست کنید. این حفظ و حراست با صبر بر طاعت الهی و دوری از معصیت و شهوات ایجاد می‌شود. هم‌چنین برای حفظ اهل از آتش باید به ایشان فرائض را یاد داد و ایشان را بر انجام طاعات الهی تشویق نمود. (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۷۷)

اطلاق آیه شامل هر روش تربیتی کارآمد می‌شود که موجب صیانت فرزند و متربی شود و در عین حال موافق عقل و شرع و عرف باشد. حفظ فرزند و متربی از گناه جنسی یکی از بارزترین مصادیق این آیه است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۴)

در دلالت آیه فوق بر لزوم تربیت جنسی ذکر چند نکته ضروری است (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۴):

۱. کلمه اهل دارای استعمالات مختلفی است که سبب می‌شود شمول آن متفاوت شود، اما به نظر می‌رسد مقصود آیه از اهل، بستگان نزدیک و کسانی است که با فرزند و متربی زندگی می‌کنند. در نتیجه، لزوم تربیت جنسی، مربیانی را شامل می‌شود که از بستگان نزدیک یا کسانی هستند که با فرزند و متربی زندگی می‌کنند؛ و از بارزترین مصادیق آن والدین، خواهر و برادر می‌باشند.

۲. حرمت یا وجوب اقدام والدین و مربیان در صورتی است که به اثر ذکر شده یقین داشته باشند؛ به این معنا که قطع داشته باشند که اقدامشان منجر به فعل یا ترک گناه جنسی شود.

۳. معیار گناه فرزند و متربی در بحث حاضر، گناهی است که پس از بلوغ اتفاق افتاده، اما در صدق حرمت افعال والدین دخیل نبوده و افعالی را شامل شود که قبل از بلوغ از سوی والدین انجام شده و زمینه‌ساز گناه پس از بلوغ است.

۴. آیه فقط شامل موارد الزامی است و مستحبات از دایره آن خارج‌اند؛ چراکه واژه «قوا» به «النار» مقید شده است.

۵. اولیا می‌توانند به نحو ایجابی یا سلبی مفاد وقایه را انجام دهند؛ یعنی گاهی نیاز است که کاری را انجام دهند و در مقابل، گاهی بعضی از کارها را که منجر به گناه جنسی فرزند و متربی می‌شود نباید انجام دهند.



مطالب فوق منجر به این نتیجه می شود که اولیا و مربیان موظف اند هر اقدام مشروعی را برای پیشگیری از گناه جنسی فرزند و تربیتی پس از بلوغ انجام دهند. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۷)

امروزه والدین برای پیشگیری از خسران اخروی فرزند نیازمند فراگیری مهارت ها و کسب دانش هایی هستند. اگر وجوب مقدمه واجب را بپذیریم، کسب مهارت ها و دانش هایی که فرزند به آن نیازمند است واجب می شود. هر کدام از کودکان و نوجوانان با یکدیگر متفاوت اند و در شرایط محیطی مختلفی رشد کرده اند. در نتیجه هریک دارای خصوصیت های مختص به خود هستند؛ والدین ابتدا باید آن ها را بیابند و متناسب با آن برنامه ریزی کنند، لذا ممکن است وظایف والدین یک نوجوان با والدین نوجوان دیگر متفاوت باشد. البته قابل انکار نیست که در این بین، امور عامی وجود دارند که بین تمام نوجوانان و کودکان با همه سلاقی مشترک هستند. شاید برقراری رابطه عاطفی مناسب یکی از این موارد باشد. رابطه عاطفی می تواند زمینه گفت و گو و تأثیرپذیری را بیش تر فراهم آورد؛ خصوصاً در سنین نوجوانی که نوجوانان به شدت به محبت نیاز دارند، باین حال ممکن است آن را مخفی نمایند یا متوجه آن نباشند، پس اگر مقدمه واجب را واجب بدانیم، هیچ بعید نیست که برقراری ارتباطی صحیح و مناسب با نوجوان نیز واجب شود. تأثیر این ارتباط به ساحت تربیت جنسی مختص نیست، بلکه به طور کلی مقوله تربیت را به پیش می برد و در مواردی نیز کار تربیتی بر آن متوقف می شود.

۳-۵. اعانه بر اطاعت الهی

قاعده «برّ» که مستفاد از آیه «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» برخی از روایات و دلیل عقل است، به عنوان یک دلیل مورد استناد فقها قرار گرفته است، اما به عنوان یک قاعده مستقل به آن کمتر توجه شده است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۸)

«اعانه بر برّ و تقوا به معنای ایجاد زمینه واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات برای دیگران است، به شرطی که به تحقق واجب و مستحب یا ترک حرام و مکروه بینجامد». (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۰)

ادله این قاعده به قرار زیر است (قواعد فقهی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱):



۱. عقل: عقل حسن کمک و فراهم آوردن مقدمات اطاعت مولا را درک می‌کند. بنابراین قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» نیز شرعیت این حکم عقل ثابت می‌شود. این دلیل دال بر رجحان و استحباب اعانه است.

۲. آیه تعاون ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾: تعاون در این آیه هرچند می‌تواند مختص به تعاون و همکاری دو طرفه باشد، اما در نهایت اختصاصی به آن ندارد و اعم از تعاون و تمهید مقدمات است. هم‌چنین صیغه امر «تعاونوا» دال بر استحباب است؛ چراکه بر و تقوی که در ذیل آن آمده، مطلق است و اعم از واجب و مستحب می‌باشد، پس این آیه دال بر استحباب می‌باشد.

۳. در بین روایات، روایتی یافت نشده که این عنوان را به مستحب اعلام کند، اما این قاعده باتوجه به فحوای برخی روایات و الغاء خصوصیت ثابت می‌شود.

یاری‌رسانی به فرزند و متربی در مقوله تربیت جنسی و کمک به او به اطاعت الهی در این زمینه مشمول حکم آیه و روایات است، لذا یاری‌رسانی او مستحب می‌شود؛ البته اگر ترک یک‌سری اقدامات خاص سبب شود که متربی به گناه بیفتد و این امر یقینی باشد، اعانه واجب می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۵۹)

در فرهنگ ایرانی - اسلامی، خانواده نقش پررنگی در مسائلی چون ازدواج جوانان دارد. این خانواده است که می‌تواند با آماده‌سازی مقدمات ازدواج سبب شود که فرزندش اولاً به این امر که در برخی موارد فریضه می‌شود عمل کند و ثانیاً مانع از ارتکاب گناه او شود. این در کنار رشدهای دیگری است که در ازدواج برای فرد شکل گرفته و هرکدام منشأ خیری در زندگی اوست. خانواده نیز با آسان‌گیری در این امر علاوه بر اینکه مانع این امر نشده، کمک‌هایش نیز مقدمه‌ساز است. متأسفانه امروزه برخی از خانواده‌ها مانع ازدواج جوانان بوده و چه‌بسا در شرایطی همین مانع‌شدن‌ها و سخت‌گیری‌ها خودش گناه محسوب شود.

۴. نتیجه

تربیت جنسی فرایندی است که طی آن مربی به کمک متربی آمده و سبب جهت‌گیری مناسب جنسی وی و جلوگیری از انحرافات جنسی اوست. ادله متعددی وجود دارند که



شامل تربیت جنسی می‌شوند؛ دلیل اول قاعده تسبیب است. قاعده تسبیب چهار صورت دارد: ترک بیان، اکراه، تمهید مقدمه خارجی و عدم مانع.

اگر نگفتن برخی از احکام سبب ارتکاب گناه فرزند و متربی شود، بیان آن‌ها واجب می‌شود. هم‌چنین والدین و مربیان در مواردی با اکراه کردن بر گناه، آماده‌سازی مقدمات و مانع نشدن، سبب می‌شوند که فرزند و متربی دچار گناه شود - با وجود تمام شرایط - دچار حرام شده‌اند. قواعد ارشاد، هدایت و امر به معروف و نهی از منکر هرکدام وظیفه آموزش، پیشگیری و مانع‌شدن در امور تربیت جنسی والدین و مربیان را مشخص می‌کند. البته دلالت قاعده هدایت محدود به استحباب است. در قرآن کریم آیات تعاون و وقایه در کنار باقی ادله سه کبرای کلی حرمت اعانه بر إثم، وجوب حفظ فرزند از عذاب و استحباب کمک در بر و نیکی را نتیجه می‌دهد که بر تربیت جنسی قابل انطباق است. تربیت جنسی فرایندی مشتمل بر انواع رفتارها و ترک فعل‌هاست که برخی از این رفتارها واجب، برخی مستحب و برخی حرام هستند. در نتیجه، تربیت جنسی فی‌الجمله واجب است.

مدرسه شهیدین
بهشتی و قدوسی
تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). *فقه تربیتی* (چاپ سوم). قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۲. _____ (۱۳۹۳). *قواعد فقهی* (چاپ اول). قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۳. آملی، هاشم (۱۴۰۶ ق.). *المعالم الماثورة* (چاپ اول). قم: محمدعلی اسماعیل پورقمشه‌ای.
۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق.). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم* (چاپ اول). دمشق: دارالفکر.
۵. خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق.). *العين* (چاپ دوم). قم: موسسه دارالهجرة.
۶. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ ق.). *موسوعة الامام الخوئی* (چاپ اول). قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۷. شریفی، محبوبه؛ آرمان، سرور؛ کهن، شهناز؛ بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۴۰۲). *تربیت جنسی کودکان ۱ و ۲* (چاپ پنجم). اصفهان: حدیث راه عشق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن* (چاپ دوم). لبنان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۹. طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۹۶). *صرف ساده*. قم: دار العلم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۱۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *القواعد الفقهية* (چاپ دوم). قم: مرکز فقه الاثمة الاطهار علیه السلام.
۱۲. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲). *مصطلحات الفقه* (چاپ اول). قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۳. مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱ ق.). *القواعد الفقهية ۱* (چاپ چهارم). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۴. هاشمی شاهرودی، محمود؛ موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام* (چاپ اول). قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۵. نرم افزار جامع التفاسیر. نسخه ۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۶. نرم افزار جامع فقه. نسخه ۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۷. نرم افزار قاموس النور. نسخه ۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

